

خدا و انسان در قرآن

معنی‌شناسی جهان‌بینی قرآنی

نوشته

دکتر توشیهیکو ایزوتسو

استاد دانشگاه کیو

(مؤسسه تحقیقات فرهنگی و زبان‌شناختی)

ترجمه

احمد آرام



فهرست مطالب

مقدمه مترجم
مقدمه مؤلف

معنی‌شناسی و قرآن	۱	فصل اول
۱- معنی‌شناسی قرآن	۱	
۲- به هم پیوستن و کلی شدن مفاهیم و تصورات فردی	۵	
۳- معنای «اساسی» و معنای «نسبی»	۱۳	
۴- واژگان و جهانی‌بینی	۲۰	
اصطلاحات کلیدی قرآن در تاریخ	۳۸	فصل دوم
۱- معنی‌شناسی همزمان و زمانگذر	۳۸	
۲- قرآن و دستگاه‌های پس از قرآنی	۵۱	
ساخت اساسی جهانی‌بینی قرآنی	۸۹	فصل سوم
۱- ملاحظه مقدماتی	۸۹	
۲- خدا و انسان	۹۱	
۳- امت اسلامی	۹۵	
۴- غیب و شهود	۱۰۲	
۵- جهان حاضر و جهان دیگر	۱۰۵	
۶- مفاهیم آخرتی	۱۱۱	
الله	۱۱۹	فصل چهارم
۱- کلمه الله و معانی اساسی و نسبی آن	۱۱۹	
۲- تصور الله در بتپرستی عربی	۱۲۶	
۳- جهودان و ترسایان	۱۳۳	
۴- مفهوم یهودی - نصرانی خدا در دست اعراب بتپرست	۱۳۷	
۵- الله حنیفیان	۱۴۱	

۱۵۱	رابطه وجود شناختی میان خدا و انسان	فصل پنجم
۱۵۱	۱ - تصوّر و مفهوم آفرینش	
۱۵۵	۲ - سرنوشت آدمی	
۱۶۸	رابطه تبلیغی یا ارتباطی میان خدا و انسان (۱)	فصل ششم
	ارتباط غیر زبانی	
۱۶۸	۱ - آیات الاهی	
۱۷۷	۲ - هدایت الاهی	
۱۸۷	۳ - عبادت همچون وسیله ای برای ارتباط	
۱۹۲	رابطه تبلیغی یا ارتباطی میان خدا و انسان (۲)	فصل هفتم
	ارتباط زبانی	
۱۹۲	۱ - سخن خدا (کلام الله)	
۱۹۹	۲ - معنی اصلی کلمه وحی	
۲۱۰	۳ - ساخت معنی شناختی وحی	
۲۳۷	۴ - وحی در زبان عربی	
۲۴۸	۵ - دعا	
۲۵۴	جاهلیت و اسلام	فصل هشتم
۲۵۴	۱ - اسلام و مفهوم خضوع و اطاعت	
۲۷۸	۲ - از حلم تا اسلام	
۲۸۳	۳ - تصوّر کردن دین به عنوان طاعت	
۲۹۸	رابطه اخلاقی میان خدا و انسان	فصل نهم
۲۹۸	۱ - خدای رحمت	
۳۰۳	۲ - خدای خشم و غضب	
۳۱۰	۳ - وعده و وعید	
۳۱۷	منابع	
۳۲۳	فهرست کلمات و اصطلاحات	

فصل اول

معنیشناسی و قرآن

۱- معنیشناسی قرآن

این کتاب که فعلاً عنوان «خدا و انسان در قرآن» دارد، نیز ممکن بود از طریقی کلیتر به نام «معنیشناسی قرآن» خوانده شده باشد. اگر چنان نمی بود که قسمت عمده بحث در این کتاب تقریباً به صورتی انحصاری به مسئله رابطه شخصی میان خدا و انسان در جهان بینی قرآنی اختصاص داشته و در اطراف این موضوع خاص متمرکز باشد، حتماً آن را به نام «معنیشناسی قرآن» می نامیدم. این عنوان دیگر دارای این مزیت است که از همان آغاز بحث دونکته اصلی را که از خصوصیات این بحث به صورت کلی آن است، مورد تأکید قرار می دهد: یکی از آن دو معنیشناسی است و دیگری قرآن.

در واقع، هر دو از لحاظ هدف خاص تحقیق حاضر اهمیت یکسان دارد؛ اگر هر یک از آن دو را مورد غفلت قرار دهیم، تمام این اثر بلافاصله اعتبار و اهمیت خود را از دست می دهد. زیرا آنچه در اینجا حایز اهمیت حیاتی است نه این یک است که به صورت جداگانه مورد ملاحظه واقع شود و نه آن یک، بلکه خود ترکیب آن دو حایز اهمیت است. این ترکیب القاکننده این نظر است که مادرصد نزدیک شدن به سیمای خاصی از قرآن از دیدگاهی هستیم که آن نیز همین اندازه واجد خصوصیت است. و باید به خاطر داشته باشیم که به قرآن می توان از دیدگاههای گوناگون کلامی و فلسفی و جامعه شناختی و صرف و نحوی و تفسیری و جز آن نزدیک شد، و نیز قرآن عده ای از سیماهای متباعد

نسبت به یکدیگر را عرضه می‌دارد که همه آنها اهمیت برابر دارند. بنابراین آنچه کاملاً جنبه اساسی دارد این است که، از همین آغاز باید در آن بکوشیم که اندیشه‌ای تا حد ممکن واضح و آشکار درباره ارتباط روششناسی معنیشناختی به مطالعات قرآنی به دست آوریم، و بدانیم که آیا نزدیک شدن به کتاب آسمانی اسلام از این زاویه متضمن مزیتی واقعی هست یا نه.

عنوان «معنیشناسی قرآن» این اندیشه را به ذهن می‌آورد که کتاب حاضر در درجه اول عبارت از تطبیق روش معنیشناختی یا تحلیل تصویری در مورد موادی است که از واژگان قرآنی فراهم می‌آید. و نیز این فکر را القا می‌کند که از دو نقطه تأکیدی که به آنها اشاره شد، معنیشناسی نماینده جنبه روانشناختی این کتاب است و قرآن جنبه مادی آن را تشکیل می‌دهد. هر دو، چنانکه اشاره کردم، اهمیت برابر دارند. ولی عملاً، یعنی از لحاظ تحقیق و مطالعه حاضر، نخستین جنبه مهمتر از دومی است، از آن جهت که این کتاب در درجه اول و پیش از هر چیز خطاب به خوانندگانی است که معرفت کلی شایسته‌ی درباره اسلام دارند و بنابراین از آغاز به صورتی حیاتی علاقه‌مند به مسائل تصویری برخاسته از این گونه توجه داشتن به خود قرآن هستند، در صورتی که هیچ چیز درباره ایشان از لحاظ شناخت تخصصی معنیشناسی و روششناسی آن از پیش مسلم فرض نمی‌شود. بنابراین من در این بخش مقدماتی کتاب جنبه مادی مسئله را کمتر از جنبه روششناختی آن مورد تأکید قرار می‌دهم، تا چنان باشد که علاقه‌مندی وارجگذاری اسلام‌شناسان رابه نگرشی تازه نسبت به مسئله‌ای کههن برانگیزم.

متأسفانه آنچه اکنون معنیشناسی خواننده می‌شود، به صورتی گیج‌کننده پیچیده است. برای کسی که نسبت به آن بیگانه باشد، اگر مطلقاً غیرممکن نباشد، لااقل بسیار دشوار است که بتواند اندیشه‌ای کلی درباره اینکه به چه چیز شباهت دارد پیدا کند.^۱ و این بیشتر نتیجه آن است که «معنیشناسی»، همان‌گونه

۱ - برای اطلاع گسترده‌تری متوازی درباره تمام میدانی که معنیشناسی آن را فرا می‌گیرد، همراه با بحثی تاریخی درباره آن، خواننده را به کتاب «معنیشناسی - مدخلی بر علم معنی» تألیف

که از نام آن برمی‌آید، علمی است که با نمود معنی در وسیعترین معنای این کلمه سروکار دارد، معنایی چندان وسیع که تقریباً هرچیزی که ممکن است همچون دارنده معنایی تصور شود، کاملاً می‌تواند عنوان موضوعی از معنیشناسی پیدا کند. و در واقع، امروز «معنی» از این لحاظ مسائل مهمی را شامل می‌شود که متفکران و دانشمندان در میدانهای گوناگون تخصصی همچون زبانشناسی محض و جامعه‌شناسی و مردمشناسی و روانشناسی و عصبشناسی و طبعشناسی (فیز یولوژی) و زیستشناسی و فلسفه تحلیلی و منطق نمادی و ریاضیات و به تازگی الکترونشناسی و چیزهای دیگر با آنها سروکار دارند. تا آن حد که «معنیشناسی»، به عنوان بحث و تحقیق در معنی، جز آن نمی‌تواند که گونه کاملاً تازه‌ای از فلسفه باشد که بر پایه تصویری جدید از وجود و هستی بنا شده و برشاخه‌های متنوع و به صورت وسیع دور از یکدیگر علم سنتی گسترده است که هنوز چندان از یکدیگر دورند که نمی‌توانند از ترکیب با یکدیگر واحد منسجمی بسازند.

در چنین اوضاع و احوالی طبیعی است که در آنچه به نام معنیشناسی خوانده می‌شود، آشکارا فقدان هماهنگی و یکنواختی مشهود باشد. به عبارت دیگر، ماهنوز یک علم یکنواخت سازمان یافته معنیشناسی در اختیار نداریم؛ همه آنچه در تصرف ما است عده‌ای از نظریه‌های مختلف درباره معنی است. با اندازه‌ای مبالغه لازم است وضع را با گفتن این سخن توصیف کنیم که: هرکس که از معنیشناسی سخن می‌گوید، به آن تمایل دارد که خود را موظف به تعریف کردن و فهمیدن این کلمه بدان صورت که دوست دارد بداند. و چون چنین است، نخستین منظور من در نوشتن این کتاب کوششی برای نشان دادن تصور خودم از معنیشناسی و تا حد امکان بیان اندیشه‌ام در خصوص موضوع کلی معنیشناسی و هدف نهایی و بالخاصه ایستار اساسی آن همراه با توضیح اصول روششناختی که از همه اینها حاصل می‌شود، بوده است. در آنچه پس از این

استاد شتیفن اولمان، آکسفرد، ۱۹۶۲، راهنمایی می‌کنیم.